



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مطلب اول اینکه علامه و محقق و شهیدین در حساب فرائض اینطور فرمودند که ما ابتدا باید مخرج ها را به صورت کسر متعارفی از فرضی که در قران ذکر شده پیدا کنیم لذا نصف مخرجش ۲ و ثلث مخرجش ۳ و ربع مخرجش ۴ می باشد و هكذا .

مطلب دوم اینکه همه وراث فرض بر نیستند بلکه در قران کریم شش فرض و اهل آنها ذکر شده ولی می دانیم که در ارث عده ای هم بالقربا ارث می برند بنابراین وراث دو دسته اند وراثی که بالفرض ارث می برند که همان فرض مقدره در قران کریم شامل آنهاست و وراثی که بالقربا ارث می برند مثل اعمام و احوال و جد و اجداد که سهمشان در روایات ذکر شده.

مطلب سوم اینکه گاهی تمام وراث از وراث بالقربا هستند و گاهی تمامشان از وراث بالفرض هستند و گاهی هم بالفرض و هم بالقربا هستند.

خب و اما ابتدا وراث بالقربا مثل اعمام و احوال، جد و اجداد و برادرها را مورد بررسی قرار می دهیم، در این موارد ملاک عدد رئوس آنها می باشد که با توجه به عدد رئوس و بر اساس طبقات ارث طبقه بندی می شوند (طبقه اول آباء و اولاد، طبقه دوم إخوة و اجداد، طبقه سوم اعمام و احوال و در کل این طبقات نیز الأقرب یمنع الأبعد) و مال بین آنها تقسیم می شود، البته باید توجه داشته باشیم درجائی که زن و مرد هستند مردها دوبرابر زن ها ارث می برند مثلاً شخصی فوت کرده و چهار خواهر و چهار برادر دارد که در اینجا

چهار برادر دو برابر چهار خواهر ارث می برند، البته باید توجه داشته باشید که در کلاله اُمی ولو اینکه زن و مرد باشند همگی مساوی ارث می برند و همچنین اگر همگی مذکر باشند یا همگی مونث باشند مساوی ارث می برند.

خب و اما صورت دیگر این است که وراث فرض بر باشند و این نیز دو صورت دارد یکی اینکه ذوفرض واحد باشد و دیگری اینکه ذوفرض متعدد باشد و بچثمان فعلاً در این است که فقط یک ذوفرض در بین باشد و درکنار او غیرذوفرض نیز وجود داشته باشد، خب حالا بعد از اینکه بر اساس کسر متعارفی و ذکر مخارج ترکه را تقسیم کردیم گاهی می بینیم نتیجه وافی به تعداد وراث است و انکسار لازم نمی آید اما گاهی وافی نیست و کسر لازم می آید، حالا چند مثال می زنیم تا مطلب روشن شود.

مثال اول: زنی از دنیا رفته درحالی که اولاد ندارد و شوهر و یک برادر دارد که خب در این صورت شوهر نصف می برد و الباقی یعنی نصف دیگر متعلق به برادر زن می باشد و انکسار پیش نمی آید.

مثال دوم: زنی از دنیا رفته درحالی که اولاد ندارد و شوهر و پنج برادر دارد که خب نصف مال متعلق به شوهرش می باشد و نصف دیگر یعنی یک دوم متعلق به پنج برادر می باشد که اینجا انکسار لازم می آید، قاعده کلی این است که عدد رئوس غیرذوفر (یعنی ۵) باید در مخرج اصلی (که در اینجا عدد ۲ است) ضرب شود که در اینجا حاصل ضرب ۵ در ۲ می شود ۱۰ و حالا نصف آن یعنی ۵ سهم به شوهر داده می شود و ۵ سهم باقیمانده بین پنج برادر تقسیم می شود و به هرکدام ۱ سهم داده می شود.

صورت عدد رئوس آنها یعنی ۶ را در مخرج اصلی یعنی ۶ ضرب می کنیم حاصلش می شود ۳۶ و بعد یک ششم از این مقدار یعنی ۶ سهم برای پدر است و باقیمانده یعنی ۳۰ سهم بین ۶ پسر تقسیم می شود و به هر کدام ۵ سهم داده می شود.

مثال ششم: اگر مردی از دنیا رفته درحالی که زن و هفت پسر دارد که خب در اینجا زن ثمن می برد لذا مال به هشت قسمت تقسیم می شود و یک هشتم آن به زن داده می شود و بقیه یعنی هفت هشتم بین هفت پسر تقسیم می شود و کسر لازم نمی آید، اما در همین مثال اگر میت سه پسر داشته باشد در این صورت کسر لازم می آید لذا عدد رئوس آنها یعنی ۳ را در مخرج اصلی یعنی ۸ ضرب می کنیم و حاصلش می شود ۲۴ و بعد ثمن از این مقدار یعنی ۳ سهم را به زن می دهیم و الباقی را بین سه پسر تقسیم می کنیم و به هر کدام ۷ سهم می دهیم و درست می شود. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهیرین

مثال سوم: شخصی از دنیا رفته درحالی که چند خواهر و برادر اُمی دارد و پنج برادر اَبوینی دارد، خب در اینجا فرض بر کلاله اُمی هستند و چون متعدد می باشند همگی بالسویة ثلث می برند لذا مال به سه قسمت تقسیم می شود و یک سوم آن به کلاله اُمی داده می شود و دو سوم باقیمانده را باید به پنج برادر اَبوینی بدهیم که کسر لازم می آید لذا عدد رئوس اینها یعنی ۵ را در مخرج اصلی یعنی ۳ ضرب می کنیم و حاصلش می شود ۱۵ و ثلث آن یعنی ۵ سهم را به کلاله اُمی می دهیم و ۱۰ سهم دیگر را بین پنج برادر اَبوینی تقسیم می کنیم و به هر کدام ۲ سهم می دهیم و درست می شود.

مثال چهارم: زنی از دنیا رفته و شوهر و سه پسر دارد که در اینجا چون زن فرزند دارد شوهر ربع می برد لذا ترکه به چهار قسمت تقسیم می شود و مخرج اصلی ما عدد ۴ می شود و یک چهارم برای شوهر و سه چهارم باقیمانده برای سه پسر می باشد و کسر لازم نمی آید، حالا اگر در همین مثال زن پنج پسر داشته باشد در اینصورت عدد رئوس آنها یعنی ۵ را در مخرج اصلی یعنی ۴ ضرب می کنیم و حاصلش می شود ۲۰ و بعد ربع آن یعنی ۵ سهم را به شوهر می دهیم و ۱۵ سهم دیگر را بین پنج پسر تقسیم می کنیم و به هر کدام ۳ سهم می دهیم و درست می شود.

مثال پنجم: شخصی از دنیا رفته و پدر و پنج پسر دارد که خب در اینجا چون فرزند دارد پدر سدس می برد لذا مال به شش قسمت تقسیم می شود و یک ششم آن به پدر داده می شود و پنج ششم دیگر به پنج پسر داده می شود و کسر لازم نمی آید، حالا در همین مثال اگر میت شش پسر داشته باشد در این